پنجشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

# الگوسازی رهبری از «مرضیه دباغ» یعنی نه به تحجر و جنسیت‌زدگی

یادداشت

عطیه همتی
دبیر گروه نقد روز

«الگوی زن برجسته اسلامی» کلیدواژه مهمی که سال‌ها بر سر پیدا کردن مصداق برای آن بین گروه‌های فرهنگی و اجتماعی اختلاف بوده و هر گروهی تلاش کرده است مصداق مطلوب خود را برای آن معرفی کند و بسیار دیده‌ایم نمونه‌های متفاوت یکدیگر را منکوب کرده‌اند. بسیاری زن تراز اسلامی را تنها زنی در چهارچوب خانه دیده‌اند که فقط تربیت فرزند را برعهده دارد و اوج فعالیت اجتماعی که برایش تعریف می‌کنند باز هم در گروه‌های زنانه یا محیط‌های آموزشی چون مدرسه خلاصه می‌شود. اما سخنرانی رهبری انقلاب در ۱۶ مهرماه در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای همدان را می‌توان یکی از شفاف‌ترین و روشنگرانه‌ترین سخنرانی‌های رهبری درخصوص معرفی الگوی زن برجسته اسلامی نامید.

ایشان در این دیدار با قاطعیت و شفافیت کامل از مصداقی برای الگوی زن برجسته اسلامی صحبت می‌کنند که پیش از این بسیاری از گروه‌های فرهنگی مذهبی درباره آن با «اما» و «اگر» تا می‌کردند. مقام معظم رهبری در بخشی از سخنان‌شان روش زنده نگه داشتن نام شهدا را استفاده از شیوه‌های هنری برای تولید آثار فاخر برای معرفی این الگوها برشمردند و درباره یکی از افرادی که می‌تواند به عنوان الگو معرفی شود، می‌گویند: «یک نمونه از این الگوها، مرحومه خانم دباغ از همدان است که همچون شهدا بود و وی می‌تواند به عنوان الگوی برجسته یک زن اسلامی به جامعه معرفی شود.» حتی در کلامی دیگر باز هم این‌طور تاکید می‌کنند که خانم دباغ با طیف عظیمی از فعالیت‌ها نمونه یک زن اسلامی و انقلابی است و در ادامه اضافه می‌کنند: «همین یک نمونه می‌تواند مضمون و محتوای چندین کار هنری فعال باشد که تصویر واقعی از زن در نظام اسلامی را ارائه کند.»

رهبری در جایی دیگر به مسئولیت نظامی خانم دباغ در استان همدان اشاره می‌کنند که فرمانده سپاه این استان که با لفظ «مردخیز» هم از آن اسم می‌برند یک زن بود: «بنده اوایل انقلاب که آمدم همدان، خانم دباغ فرمانده سپاه همدان بود؛ مناطقی را که بنده رفتم، ایشان می‌آمد راهنمایی می‌کرد و بازدید می‌کردیم؛ یعنی یک زن می‌تواند فرمانده سپاه یک منطقه مردخیز باشد! همدان مردکم نداشت، اما ارزش این زن این جوری است. از فرماندهی سپاه همدان شروع کنید، تا بردن پیام برای گورباچف از طرف امام بزرگوار؛ یعنی خانم دباغ عضو هیات سه‌نفره‌ای بود که پیام امام را از تهران می‌برند برای گورباچف به مسکو. این طیف عظیم فعالیت را می‌بینید؟ در این سال‌های آخر هم برای فلسطین و برای لبنان و برای مبارزات و مانند اینها مشغول فعالیت بود؛ پیر و ازکارافتاده شده بود، اما کار می‌کرد. این زن اسلامی است.»

همه اینها درحالی است که در سال‌های اخیر بسیار پیش آمده که هرگاه زنان از تریبون‌های مختلف نام خانم دباغ را به عنوان الگو به زبان آوردند با جملاتی از قبیل «خانم دباغ یک استثنا بود» یا اینکه «خانم دباغ را نمی‌توان به عنوان یک الگو معرفی کرد» روبه‌رو شده‌اند. این درحالی است که رهبری به‌صراحت خانم دباغ را با کلیدواژه الگوی برجسته زن اسلامی معرفی می‌کنند و با توجه به این الگو رهبری به‌صراحت می‌گویند که جمهوری اسلامی ایران در موضوع زن در موضع تهاجم است نه دفاع که همین موضوع نگاه روشن رهبری را در حوزه زنان و افق فعالیت‌های اجتماعی‌شان نشان می‌دهد. نگاهی که نه زن را محدود به چهارچوب خانواده کرده و نه برای فعالیت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی‌اش حد و حدودهای پیچیده و حتی جنسیتی قائل است. مسئولیت فرماندهی نظامی یکی از مهم‌ترین استان‌های غربی کشور یعنی استان همدان آن هم در سال‌های آغازین جنگ تحمیلی را می‌توان از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسئولیت‌هایی دانست که خانم دباغ از حضرت امام گرفت و توانست در قامت یک فرمانده نظامی کامل حاضر شود. چنانکه در خاطرات خانم دباغ آمده است: «یک هفته بعد از آمدن به ایران دوباره فعالیت‌هایم را آغاز کردم و به کمیته انقلاب اسلامی پیوستم و شرایط به‌طوری بود که باید جو را آرام و از پادگان‌ها محافظت می‌کردیم. هنوز ارتش از نیروهای ضدانقلاب تصفیه نشده بود و عده‌ای درصدد انجام کودتا بودند. از این رو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد و آقای جواد منصوری به عنوان فرمانده سپاه پاسداران انتخاب شد. چندی بعد طی حکمی به من ماموریت داده شد تا برای تشکیل سپاه غرب کشور اقدام کنم و این شد که من تنها فرمانده زن سپاه پاسداران شدم.»

مرضیه دباغ ورای زن بودن بی‌شک یکی از مهم‌ترین چهره‌های مبارز انقلاب اسلامی است. اما آنچه مورد بحث است نگاه امام راحل و مقام معظم رهبری به این زن و اعلام آن به عنوان الگو به جامعه ایرانی است. چنانکه امام با وجود شخصیت‌های مختلف وی را به فرماندهی سپاه همدان منصوب کرد و حتی برای حضور در عرصه بین‌المللی نیز خانم دباغ را به عنوان یکی از اعضای هیات ایرانی برای ارسال نامه خود به گورباچف انتخاب کرد. الگویی که حالا زن و دختر ایرانی با تکیه بر رفتار و گفتار امام و رهبری می‌خواهند به آن دست یابند و به‌نظر می‌رسد هنوز سد تحجر و کلیشه‌ها مانع از شکوفایی آنان خواهد بود و هنوز کلیشه‌های جنسیتی یا رفتارهای متحجرانه نسبت به زن هم در خانواده وجود دارد و هم جامعه. وضعیت حضور زنان و عدم پذیرش آنها نشان می‌دهد هنوز پذیرش زن به عنوان مدیر یا مسئول برای بسیاری غیرقابل هضم است. به‌گونه‌ای که در برخی گفتارها و حتی صحبت‌های برخی مسئولان و سیاسیون رگه‌های این تحجر و کلیشه را می‌توان یافت.

وقتی رهبری در موضوع زنان معتقد است باید رفتار ما تهاجمی باشد، یعنی ما آنقدر الگوی بزرگ و برجسته در داخل کشور تولید کرده باشیم که غرب نتواند زن ایرانی را تضعیف کند و اسلامیت و ایرانیت او را مانع رشدش بداند. نه آنکه با گفتارها و رفتارهای برخی مسئولان‌مان در حوزه زن و خانواده روی گزاره‌های غربی صحه گذاشته شود. موضوعی که هم زن و دختر ایرانی را دلسرد می‌کند و هم رویا و حسرت غربی شدن را در دلش می‌کارد. رفتار و گفتار امام و رهبری در نگاه به زنان به‌صراحت و قاطعیت اعلام می‌کند که تحجر در فرهنگ ایرانی و اسلامی مطلوب آنها هیچ جایی ندارد و نگاه‌های جنسیت‌زده و محدودسازی زنان مغایرت جدی با نگاه آنان دارد. سخنرانی اخیر رهبری را نیز می‌توان مصداق روشن و واضحی از این موضوع دانست که شاید قرار است گوشی را دست متحجران در حوزه زنان و خانواده بدهد.

## درباره مرحومه مرضیه دباغ، مادری که چریک شد

# سلام فرمانده نسخه خواهر طاهره

گزارش

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد رز

انسان‌هایی که در تاریخ تکرار نمی‌شوند، یا الگوهایی که می‌توانند انسان‌ساز باشند؟ این سوال را می‌توان درباره شخصیت‌های مهمی که در طول تاریخ داشتیم و شخصیت‌های برجسته انقلاب پرسید که آیا این انسان‌ها تنها شخصیت‌هایی منحصربه‌فرد بودند که قرار نیست دیگر تکرار شوند یا می‌توانند الگویی برای انسان‌هایی باشند که به دنبال پیدا کردن هدف و راه خود هستند. پیروزی انقلاب و ظهور شخصیت‌های برجسته در این دوران و دفاع مقدس را می‌توان یکی از برهه‌های مهم تاریخ ایران دانست که پیش از آن سابقه نداشته است. در این بین زنانی نیز حضور داشتند که برمبنای توانمندی‌ها، توانستند، نقش موثری در جریان پیروزی انقلاب، ایفا کنند. مرضیه حدیدچی دباغ از جمله همین شخصیت‌ها به شمار می‌رود. شخصی که با وجود تمام محدودیت‌ها و باورهای غلطی که در جامعه آن روز وجود داشت به تحصیل و فعالیت‌های انقلابی پرداخت و در فعالیت‌های خود به محافظ امام خمینی(ره) و فرماندهی سپاه نیز منصوب شد. این روزها در حالی که تلاش‌های زیادی برای برساخت تصویری از زن ایرانی می‌شود و رسانه‌ها هریک تلاش می‌کنند با روایت خود زن ایرانی را به آن شکلی که مطلوب‌شان است روایت کنند، رهبر انقلاب در سخنرانی اخیر خود در کنگره ملی بزرگداشت شهدای استان همدان، مرحوم مرضیه دباغ را به عنوان یک الگوی مناسب برای زن ایرانی، معرفی نموده و اشاره کردند: «بنده اوایل انقلاب که آمدم همدان، خانم دباغ فرمانده سپاه همدان بود. مناطقی را که بنده رفتم، ایشان می‌آمد راهنمایی می‌کرد و بازدید می‌کردیم؛ یعنی یک زن می‌تواند فرمانده سپاه یک منطقه مردخیز باشد! همدان مردکم نداشت، اما ارزش این زن اینجوری است. از فرماندهی سپاه همدان شروع کنید، تا بردن پیام برای گورباچف از طرف امام بزرگوار؛ یعنی خانم دباغ عضو هیات سه‌نفره‌ای بود که پیام امام را از تهران می‌برند برای گورباچف به مسکو. این طیف عظیم فعالیت را می‌بینید؟ در این سال‌های آخر هم برای فلسطین و برای لبنان و برای مبارزات و مانند اینها مشغول فعالیت بود؛ پیر و ازکارافتاده شده بود، اما کار می‌کرد. این زن اسلامی است.» اگر نگاهی به زندگی مرحوم دباغ بیندازیم، این موضوع به روشنی مشخص است که وی همواره فعالیت‌هایی در دوران مبارزاتی خود انجام می‌داد که حتی برمبنای تفکرات آن موقع نیز مورد پذیرش قرار نداشت اما همراهی وی با امام و مسئولیت‌هایی که امام خمینی(ره) به مرحوم دباغ می‌دانند این گزاره را اثبات می‌کرد که نظر امام درباره فعالیت‌های وی چه بوده است. زندگی مرحوم دباغ پر از بالا و پایین‌ها و روایت‌های جالب است که به بهانه سخنرانی اخیر رهبر انقلاب، در گزارش امروز به مرور بخشی از آنها پرداختیم.

### خواندن یادبگیری کافی است!

می‌گفت خانواده‌اش از معلم مکتب خانه تعهد گرفته‌اند که تنها به آنها خواندن یاد بدهد. پدر هم در پاسخ به اینکه چرا چنین چیزی را از معلم خواسته، گفته بود: «همین که خواندن یادبگیری کافی است. برای دختر نوشتن لازم نیست. خدای ناکرده ممکن است فردا کسی برایش نامه‌ای بنویسد و شیطان گولش بزند و بخواهد جواب بدهد و هیچ خوبیت ندارد.» اما انگار از آن موقع نیز قصد نداشت مقابل تحجرات و باورهای غلطی که در جامعه زمان خود وجود داشت، تسلیم شود. «خواهر طاهره» یا همان «مرضیه دباغ»، در خرداد ۱۳۱۸ در همدان به دنیا آمد. پدرش کاغذ و کتاب می‌فروخت اما به دلیل باورهای غلط آن روزها، محدودیت‌هایی برای مرضیه قائل می‌شد. علاقه او به درس و تحصیل اما باعث شد که به دور از چشم بقیه اعضای خانواده، نوشتن را تمرین کند. او در خاطرات خود آن روزها را این طور شرح داده است: «آن موقع‌ها این طور بود، درس خواندن دخترها هزار محدودیت داشت. من اما توی کتم نمی‌رفت. با هزار زحمت، تکه کاغذهایی که در خانه بود را جمع می‌کردم. شب‌ها که همه خواب بودند. پاورچین پاورچین به زیرزمین می‌رفتم و چراغی می‌بردم و یواشکی مشق می‌نوشتم تا یاد بگیرم، هیچ‌کس نمی‌فهمید چون همه از آن زیرزمین می‌ترسیدند.» این علاقه و کنجکاوی برای یادگرفتن و تحصیل کردن اما تنها محدود به دروس ابتدایی نشد، مرضیه دباغ بعد از ازدواج به واسطه علاقه زیادی که به یادگرفتن داشت و سوال‌های زیادی که همواره مطرح می‌کرد، به پیشنهاد همسرش به تحصیل در علوم دینی پرداخت. او در خاطراتش در این باره می‌گفت: «همیشه از بدعدالتی نسبت به زن‌ها گله داشتم. سوال‌های زیادی داشتم. یک روز شوهرم گفت نمی‌تواند سوال‌هایم را جواب بدهد، برای همین پیشنهاد داد که بروم و در رشته علوم دینی تحصیل کنم تا به جواب برسم و من هم به پیشنهاد یکی از دوستان شوهرم، نزد امام جماعت محله رفتم و خواندن جامعه‌المقدمات و منطق را آغاز کردم.»

### شاگردی آیت‌الله سعیدی و آغاز فعالیت‌های سیاسی

درس و تحصیل اما به هر صورت با فعالیت‌های مبارزاتی دهه ۴۰ نیز آمیخته شد. فوت آیت‌الله بروجردی و پیچیدن آوازه سخنرانی‌های امام خمینی مرضیه را هم جذب کرد و علاقه او برای آشنایی با نهضت امام تا آنجا پیش رفت که قصد داشت هرازگاهی راهی قم شود اما این اتفاق به شکل دیگری رخ داد و او پای درس‌های شاگرد امام خمینی، آیت‌الله سعیدی نشست و از همین جا بود که مرضیه دباغ، فعالیت‌های سیاسی‌اش را با رونویسی از کتاب‌های امام و نوشتن مقاله، همراه با تحصیل علوم دینی آغاز کرد. بیشتر شدن این فعالیت‌ها و مشغولیت‌ها موجب شد که همسر مرضیه دباغ دیگر موافق ادامه فعالیت و تحصیل او نباشد. او در خاطراتش این ماجرا را این طور روایت کرده است: «یک روز که آقای سعیدی با خانواده تماس گرفت، به ایشان گفتم نمی‌توانم بیایم چون همسرم مخالف است. ایشان گفتند که بگویید امشب به مسجد بیایند. حاج آقا دباغ هم به مسجد می‌رود. آقای سعیدی می‌گویند یک نفر تجارت پرسودی دارد و دنبال شریک است. شما با او شریک می‌شود؟ حاج آقا دباغ می‌گوید من که پول شراکت با چنین کسی را ندارم. آقای سعیدی می‌گوید پول نمی‌خواهد فقط می‌خواهد با او شریک شوید. شوهرم می‌گوید این چه کسی است؟ آقای سعیدی می‌گویند همسرتان کار بزرگی می‌کند و استعداد بالایی دارد اگر مانع او نشوید در ثواب بزرگی شریک هستید و نزد خدا اجر دارید. حاج آقا دباغ همان جا می‌گوید که چشم اگر این طور است من هیچ مخالفتی ندارم و حمایتش می‌کنم. تا آخر هم همین طور شد.»

مرضیه دباغ در روزهایی به فعالیت‌های سیاسی و تحصیل علوم دینی مشغول بود که در عرف جامعه آن روز، انجام این امور توسط خانم‌ها، چندان مورد استقبال قرار نمی‌گرفت و پذیرفته شده نبود و در کنار اینکه این فعالیت‌ها از جانب افرادی مثل شهید سعیدی مورد استقبال قرار می‌گرفت اما در نقطه مقابل نیز افرادی بودند که برمبنای باورهای غلط آن روزها مخالف این فعالیت‌ها بودند. مرضیه دباغ در خاطرات خود از استادی می‌گوید که بعد از شهادت آیت‌الله سعیدی، پای درس‌هایش می‌نشست اما او بعد از این حاضر نشد به او درس بدهد و ماجرا را این طور روایت می‌کرد: «یک روز در محضر آیت‌الله سعیدی بودیم که ساواکی‌ها به یکباره ریختند و دستگیرش کردند. من توانستم از آنجا فرار کنم. بعد از چند وقت هم خبر شهادت‌شان رسید و حسابی به هم ریختیم. نظم گروه‌مان هم به هم ریخت. من دیگر حتی استاد هم نداشتم. چند وقت بعد استادی پیدا کردم و مدتی نزدش درس می‌خواندم. یک روز که برای درس خدمت‌شان رسیدم، همسرش گفت که استاد دیگر مرا نمی‌پذیرد. علت را جویا شدم و گفتم باید به من بگویند که مگر من چه اشتباه کردم که مرا درس نمی‌دهند. استاد آمد و گفت از وقتی شما اینجا می‌آیید همسر من هم دوست دارد درس بخواند. من صلاح نمی‌دانم و ترجیح می‌دهم به امور بچه‌ها رسیدگی کند. شما هم بروید استاد دیگری پیدا کنید. من خیلی ناراحت شدم اما گفتم همان بهتر که استادی با چنین تفکری نداشته باشم!»

### بازداشت و شکنجه توسط ساواک روزهای سخت خواهر طاهره

فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی در سال‌های پیش از انقلاب مرحله تازه‌ای از زندگی مرضیه دباغ بود که سختی‌ها و مشکلات زیادی را برای او و خانواده‌اش به همراه داشت و علی‌رغم اینکه چندباری از دست ساواکی‌ها نجات پیدا کرده بودند اما نهایتا مرضیه دباغ و دخترش رضوانه به دست ساواکی‌ها بازداشت شدند. آغاز روزهای سخت شکنجه و بازداشت، شرایط بد جسمی و روحی و عفونت‌های ناشی از شکنجه بخش مهمی از فعالیت‌های مبارزاتی خانم دباغ را به خود اختصاص می‌داد. مرحوم دباغ در خاطرات خود در شرح آن روزها می‌گفت: «تمام زخم‌هایم عفونت کرده بود، آنقدر که سلولم بو گرفته بود. یک روز نصیری رئیس ساواک وقتی برای سرکشی به زندان سر زد در سلولم را باز کردند. نصیری از بوی داخل سلولم گفت: «این پیرزن اینجا چه می‌کند. بوی تعفنی دارد! ۳۴ سال بیشتر نداشتم، ولی از بس شکسته و فرسوده شده بودم که مرا پیرزن صدا کرد.» مرحوم دباغ در بازجویی‌ها اطلاعاتی به ساواکی‌ها نداد و خود را به بی‌سوادی زد. نیروهای ساواک اما او را آزاد کردند تا با تعقیب از او اطلاعاتی به دست بیاورند و چون بازهم چیزی دستگیرشان نشد دوباره او را بازداشت کردند و بعد از وخیم شدن حال جسمی وی مجبور به آزادی او از زندان شدند.

### محافظ امام در نوفل لوشاتو

احتمال بازداشت دوباره مرضیه دباغ توسط ساواک و اعدام وی موجب شد تا با کمک مبارزان از ایران خارج شود و به انگلستان برود. او در خاطراتش می‌گوید، برای گذران زندگی در انگلستان مجبور می‌شود در هتلی مشغول به کار شود. فعالیت‌های مبارزاتی اما در خارج از کشور هم ادامه پیدا کرد و آشنایی با محمد منتظری و ارتباط با انجمن اسلامی در اروپا از جمله فعالیت‌های مبارزاتی خانم دباغ در خارج از کشور بود. چند وقت بعد از اینکه مرضیه دباغ به فرانسه می‌رود امام نیز به دلیل شرایط سختی که در عراق برایشان ایجاد شده بود در نوفل لوشاتو مستقر می‌شوند. مرحوم دباغ یکی از محافظان امام خمینی می‌شود. او در خاطرات خود روزهای محافظت از امام در نوفل لوشاتو را این طور روایت می‌کرد: «همه حواسم بود که گزندی به امام نرسد. وقتی امام در محوطه پیاده‌روی می‌کرد نامحسوس کشیک می‌دادم که مبادا اتفاقی بیفتد. به پلیس‌های آنجا اعتماد نداشتم. حتی نامه‌های امام را ابتدا به یک روش امنیتی خودم باز می‌کردم تا مطمئن شوم داخل آن چیز خطرناکی نیست و بعد بدون اینکه بخوانم در اختیار امام قرار می‌دادم. لباس‌های امام را بعد از تحویل از خشکشویی دوباره آب می‌کشیدم که مبادا مشکلی پیش آمده باشد. امام با محبت می‌گفت که نیازی نیست این کارها را انجام دهم و بهتر است خودم را به زحمت نیندازم. همه جوره هم تلاش می‌کرد که بار زیادی روی دوشم نباشد. همین توجهات امام به ما در راهی که می‌رفتیم دلگرمی می‌داد.» هواپیمایی که قرار بود امام را به تهران بیاورد درحالی به زمین نشست که یکی از محافظان امام در این سفر حضور نداشت. مرحوم دباغ پیش از آغاز سفر امام به شدت مریض می‌شود و بنابراین نمی‌تواند در پرواز همراه امام به تهران برود و شرایط حساس امنیتی آن روزها هم باعث می‌شود تا به توصیه امام سفر مرضیه دباغ به تهران تا ۱۴ اسفند ۵۷ به تاخیر بیفتد.

### اولین و آخرین فرمانده زن سپاه همدان

چند وقت بعد از ورود مرضیه دباغ به ایران و تشکیل سپاه پاسداران مرضیه دباغ در حکمی به عنوان فرمانده سپاه همدان انتخاب می‌شوند. انتصاب وی به فرماندهی سپاه همدان آن هم در روزهایی که کشور درگیر بحران‌هایی بود که از سمت ضدانقلاب به‌خصوص در کرمانشاه و کردستان ایجاد می‌شد بسیار قابل توجه بود. ماجرای کودتای نوژه همدان یکی از موضوعاتی بود که در دوران فرماندهی مرضیه دباغ و به کمک مردم شواهدی مبنی بر مشکوک بودن او از جانب آنها به دست آمده بود. مرحوم دباغ در خاطرات خود ماجرا را این طور روایت می‌کرد: «یکبار خانمی تماس گرفت و اطلاعات عجیبی در اختیارمان گذاشت. او گفت خط تلفنش روی خطوط مکالمات دو نفر دیگر می‌افتد که می‌گویند با ماشین تویوتای قهوه‌ای و دیگری با بی‌ام و قرمزرنگ به دیدار هم بروند و حرف‌هایشان خیلی مشکوک بوده است. همین شد که با پیگیری‌هایی که انجام دادیم اطلاعات بکر و باارزشی به دست آوردیم که منجر به شکست کودتای نوژه همدان شد.» مرحوم دباغ در سال ۶۱ در درگیری با ضدانقلاب از ناحیه پا مجروح می‌شود و همین موضوع هم باعث می‌شود از سمت فرماندهی همدان استعفا دهد و در بسیج خواهران مشغول به فعالیت می‌شود.

### حضور خواهر طاهره برای تقدیم پیام امام به گورباچف

حضور مرحوم دباغ در تیمی که قرار بود برای گورباچف نامه امام خمینی را همراه داشته باشند از جمله موضوعات قابل توجهی است که در روزها و شرایط آن روز انقلاب ایران که برخی با رفتارهای تحجرآمیز تلاش می‌کردند خانم‌ها را از صحنه فعالیت‌ها دور کنند این موضوع را اثبات می‌کند که نظر و تصمیم امام در این رابطه چیست. مرحوم دباغ چگونگی سفر برای ارسال نامه به گورباچف را این طور روایت می‌کرد: «زمانی که مسئولیت زندان زنان را در تهران به عهده داشتم احمد آقا تماس گرفت و گفت کار مهمی دارند و وقتی خانه رسیدم تماس بگیرند. وقتی به خانه رسیدم خیلی نگران بودم. تماس گرفتم و پرسیدم که چه اتفاقی افتاده است؟ احمد آقا گفت امام نامه‌ای برای گورباچف می‌نویسند و می‌خواهند هیات همراهی در کنار نامه به شوروی بفرستند تا پیام امام را به گورباچف برسانند. خیلی جا خوردم و البته بسیار خوشحال بودم که از اعضای این هیات هستم. در آخر من و جناب آقای محمد جواد لاریجانی و آیت‌الله جوادی آملی به سمت مسکو پرواز کردیم. در آنجا نامه امام را بررسی کردیم و نکات را یادداشت کردیم تا اگر نکته‌ای وجود داشت و سوالی از ما پرسیدند مطلع باشیم و شک و شبهه‌ها را برطرف کنیم. همین طور هم شد. وقتی نامه را به گورباچف دادیم و نامه قرائت شد دو مساله برای گورباچف سوال شد که آن را مطرح کرد. او این دو مورد را حتی توهین تلقی کرده بود. اما آیت‌الله جوادی آملی به خوبی و با متانت پاسخ همه چیز را داد و شبهه‌ها را برطرف کرد. حضور من در آن هیات همراه برای رسانه‌ها خیلی مهم شده بود. آنها حضور یک زن ایرانی را خیلی جالب می‌دانستند و نشان می‌داد که امام خمینی چقدر برای زنان مسلمان ایرانی ارزش قائل است.»

# سانتی‌مانتالیسم صلح از کجا می‌آید؟

ادامه از صفحه یک

او هر لحظه ممکن است خانواده یا عزیزانش را از دست بدهد و از همه مهم‌تر او سرزمینش را- که یکی از مهمترین ابزارهای مقاومت برای خودیاری است- اصلا در دست ندارد و در سرزمینی زیست می‌کند که تصرف شده است. این وضعیت در واقع غیرطبیعی است، درنتیجه انسان فلسطینی را با تخیلی که در کشوری طبیعی در جریان است قضاوت کردن، امری غیراخلاقی است و اینجا ضد صلح بودن یا بحث درباره صلح اصلا معنا ندارد؛ چراکه انسان فلسطینی از اساس در اتمسفری زیست می‌کند که علیه او شکل گرفته است.

**اندیشیدن به فلسطین در سایه غیراروپایی و آمریکایی باید باشد:** تخیلی که اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها برای انسان متاخر شکل داده‌اند که ذیل اقتصاد تعریف می‌شود برای وضع طبیعی است، نه در وضع استثنایی. ملتی که از وضعیتی غیرطبیعی برخوردارند با تخیلی که برای بافت دیگری ساخته شده، اگر مورد پرسش واقع شوند، نه تنها غیرممکن است، بلکه نوعی سلاخی و ذبح آن ملت است؛ چراکه آن ملت را از بافت واقعی خود جاکن می‌کنند و در تخیلاتی که برای سوژه انسان آمریکایی است و بر صرف سرکوب بناشده، تعریف می‌کنند. در چنین وضعیتی قطعا انسان فلسطینی محکوم به سرکوب است؛ چراکه با لفظ بنیادگرایی یا با لفظ خشونت مورد مواخذه قرار می‌گیرد. حال آنکه انسان فلسطینی در اصل ذیل وضعیتی نابرابر و کاملا ناجوانمردانه درحال زیست است که از آن به عنوان یک وضعیت سخت زیستن یا دشوار زیستن هم نمی‌توان نام برد؛ چراکه این انسان‌ها ذیل هیچ واقعیتی در جهان قرار نمی‌گیرند و انسان‌هایی هستند که همه شئون آنها غصب شده است. در شرایط غصب‌شدگی حتی سخت زیستن هم ممکن نیست، به این جهت که این انسان‌ها دیگر حتی توان تخیل زندگی با دشواری را ندارند و در وضعیتی قرار دارد که کمتر می‌توان آن را توصیف کرد. به این خاطر بحث‌هایی مثل صلح یا صلح‌پذیری در شرایطی است که همه چیز طبیعی است یا موقعیت برابر درحال شکل‌گیری است، نه در موقعیتی غیربرابر که سراسر آن قضاوتی است از طرف تخیلی که فلسطینی را از لحظه توصیف غیرانسانی و با الفاظی مثل بنیادگرا معرفی کرده است. این معرفی شدن و آن قضاوت شدن از قبل تر تصمیم گرفته است انسان و ملت فلسطینی را با لنزی که غربی‌ها توصیف می‌کنند، فهم کند و این یعنی ظلمی به ملت فلسطین و سرکوب مجدد انسان‌هایی که در فلسطین زیست می‌کنند.

**نتیجه‌گیری:** سانتی‌مانتالیسم صلح از اساس ابروایتی غیرواقعی است که در دستگاه پروپاگاندای اسرائیلی‌ها ساخته شده تا انسان‌ها و ملت فلسطین را سرکوب کند و در مجامع جهانی و در برابر سایر ملل و ایضا ملت‌های مسلمانی مثل ما باعث شود که تصور کنند که وضعیت در آنجا عادی است و شکلی از عادی‌سازی برای خون‌شویی اسرائیلی‌ها شکل دهند. کاری که تا این لحظه تا حدودی پروپاگاندای اسرائیلی توانسته انجام دهد و راه مقابله با این وضعیت تنها از طریق تاریخ و بازخوانی تاریخ سیاسی ممکن است تا علیه وضعیت فعلی شود.

نوبت دوم

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی
(سهامی خاص)

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران شماره ۲۰۰۲۰۹۱۷۰۱۰۰۰۰۸۲
مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای شماره : ۱۴۰۲۱۳
موضوع مناقصه: لوله - شماره تقاضای خرید: ZRD-۰۱۰۰۳۱۵

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی مستقر در شهرستان شیراز در نظر دارد مطابق شرایط و مشخصات ذیل لوله مورد نیاز منطقه عملیاتی پارسیان خود را از شرکت‌های واجد شرایط تامین نماید. از متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت می‌شود با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) پس از مطالعه دقیق شرایط عمومی و اختصاصی مناقصه و مشخصات فنی کالای مورد نیاز، درصورتی‌که توانایی تهیه کالا را داشته باشند نسبت به تکمیل و ارسال فرم ارزیابی کیفی مناقصه‌گران واقع در سامانه یادشده اقدام نمایند.

۱- شرح مشخصات فنی کالا: لوله (کیفیت و کمیت کالا در سامانه ستاد بارگذاری شده است.)

۲- کلیه مراحل برگزاری فرآیند مناقصه، از دریافت و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل، صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس http://www.setadiran.ir میسر خواهد بود. ضمنا مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، لازم است مراحل ثبت‌نام در سایت فوق و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه به انجام رسانند. صرف ارائه پیشنهاد مالی از طرف مناقصه‌گران در سامانه، به منزله رویت، بررسی و تایید کلیه اسناد مناقصه می‌باشد.

۳- مهلت تحویل: آخرین مهلت بارگذاری فرم‌های تکمیل‌شده ارزیابی کیفی تا پایان وقت اداری روز ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ می‌باشد. لازم به ذکر است که مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد، ۱۴ روز قبل از تاریخ مذکور می‌باشد.

۴- ارسال اسناد مناقصه:
۴-۱) پس از انجام ارزیابی کیفی، شرکت‌های تاییدشده ملزم به ارائه پاکات ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار معتبر بانکی سه‌ماهه قابل تمدید یا رسید واریز وجه نقد (شماره حساب جهت واریز وجه با هماهنگی امور مالی مشخص می‌گردد) به مبلغ ۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به نام شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی و پیشنهاد مالی از طریق سامانه ستاد می‌باشند. در غیر این صورت امکان ادامه حضور در روند مناقصه وجود نخواهد داشت.
۴-۲) تاریخ گشایش ضمانتنامه‌های شرکت در فرآیند ارجاع کار و پیشنهادات مالی پس از مشخص شدن نتایج ارزیابی کیفی شرکت‌ها توسط کمیسیون مناقصات اعلام خواهد شد.
۴-۳) زمان برگزاری جلسه توضیح و تشریح اسناد متعاقبا اعلام خواهد شد.
۴-۴) مهر و امضا کلیه اسناد و بارگذاری آنها الزامی است.

۵- درصورتی که کالای موضوع مناقصه در داخل کشور تولید می‌گردد، مناقصه بین تولیدکنندگان داخلی و تامین‌کنندگانی که کالای موضوع مناقصه را از تولیدکننده داخلی تامین می‌نمایند برگزار می‌گردد.

۶- کلیه شرکت‌کنندگان در مناقصه لازم است در فهرست بلند منابع تامین کالای وزارت نفت (AVL) باشند.

۷- تایید و رعایت کلیه موارد مندرج در فرم الزامات و دامنه بازرسی فنی الزامی می‌باشد.

۸- اقلام مربوط به درخواست خرید ZRD-۰۱۰۰۳۱۵ باید به صورت پیش کرایه به آدرس: استان فارس- شهرستان مهر- روبه‌روی روستای نورآباد- ۲۵ کیلومتر داخل کوه- کمپ اداری ناحیه تابناک- انبار تدارکات کالا ارسال گردد.

۹- درصورت برنده شدن ارائه ضمانتنامه انجام تعهدات به میزان ۱۰ درصد مبلغ معامله الزامی است.

۱۰- برنده مناقصه می‌تواند با ارائه ضمانتنامه بانکی معتبر حداکثر به میزان ۲۵ درصد کل مبلغ معامله پیش پرداخت دریافت نماید.

توجه: هرگونه تغییر در شرایط و زمان مناقصه به اطلاع کلیه شرکت‌کنندگان در مناقصه خواهد رسید. درصورت ضرورت با شماره تلفن ۳۲۱۳۸۴۳۶ و ۳۲۱۳۸۶۵۷-۰۷۱ تماس بگیرید و مکاتبات خود را به شماره فکس ۳۲۳۱۴۴۴۷-۰۷۱ ارسال نمایید.

۱۵۸۰۷۴۸ شناسه آگهی
روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی